

15 3

سەشنبە ۵ خرداد ۱۳۹۴ | ۷ شعبان ۱۴۳۶ | ۲۶ می ۲۰۱۵ | سال سوم | شماره ۵۷۳ 🖊



بوضوع چالشهای تربیت نسـل، موضوعی سـت که تنها مختص کشــور ما باشــد. در کشورهای پیشرفتهنیز این مسائل وجوددارد،اماً توانستهاندتاحدزیادی،جلوی مشکلات تربیتی سل جوان رابگیرند.

وقتی جامعه درحال توسعه و پیشرفت است. ین توسعه، همهٔ جانبه است. نقدهایی که ما به نسـل جدید وارد می کنیم و انتقال می بین سلی را انتظار داریم، این است که هر نسلی میخواهد فرزندانش را مثل خـودش تربیت ی ر کند. نسل دوم، آینه نسـل پیشین میشود. در شکل گیری فرهنگ تربیتی یک نسل، مخصوصا سن عیری محصریتی یکسن میراند نر هزار مسوم و بالفجار دانسش و اطلاعات و رسانه ها، آینه ای است که منتقد خود ما و نسل بیشــین خود می شــود. ما در واقع با نقدی که , سانه پ" برنســلجوان مىكني م، خودمان را زير سوال ىي بريىم. وقتى كــه خانواده، هســـتەاى شــد، نهادهای فرهنگی و اجتماعی، مثل مهد کودک، مدارس، رسانهها، اماکن عمومی، سینما، تئاتر ممارش، رشاختا، مان سمومی، سیمه اندار و همه ارکان جامعه، مکمل خانواده هستهای می شـــوند. به این معنـــا که معمــولا نهادهای اجتماعی، فرهنگی و مدنی، در کنار خانوادهاو درجهت کمه آنهاقرار می گیرندتانسل جوان رااز تصمیم گیری برای خود و خواسته هایش

رار تشییم بیری برای خودو خوشست بیش بازدارندومانع تفکر آزاد آنهاشوند. اگر ما اینگونه تصور کنیم کـه فرزندانمان را مثل خودمان تربیت کنیم،نبایددغدغه پیشرفت مىن بود. ن ر.. جامعەراداشتەباشىم. مگر می شــود در عصری که مبادله دانش در کمتر از یک دقیقه، میسر می شود، از نسل جوان انتظار تبعیت تام از نسل پیشین را داشت؟ نسل ما، آرمان هایی را داشت که براساس آن آرمان ها، حرکت می کرد. اما ما برای حرکت نسب بعد از خود، چه بستري ۱٫ آماده کر دیم؟ ما نمی توانیم انتظار بهترین خروجی های تربیتی را داشــته باشیم، درحالی که جامعه پر از ریا، تزویر و دروغ است. جامعهای که برخی از آرمان های آن خدشهدار شده است نمی تواند اینگونه باشد که نهادهای فُرهنگی،اجتماعی و مدنی تنهابعضی چیزها را به نسل جدید، القاءکنند و اجازه تفکر، تصمیم گیری و تصمیمسازی را به آنها ندهند. ما هر سیری را برای فرزندانمان طراحی کردیم، آنها همان مسیرها را رفتند.قریب بدانفاق فرزندانمان فرصت واجازه تعریف آرمان را نداشتند: چراکه ما این اجازه را به آنها ندادیم و خواستیم آنگونه که مامی خواهیم، فکر کنند، اًنطور که ما می خواهیم یپوشــند، حرف بزنند وزندگی کنند.اگر قرار بود که انســان هاهمگی . بکشــکل و متحد باشــند، خداوند این اندازه ". انسان های متفاوت خلق نمی کرد. همان طور که اثرانگشت هیچ کدام از ما شبیه هم نیست، که اثرانگشت هیچ کدام از ما شبیه هم نیست، طبیعتا خلـق و خو، اخـلاق و خواســـتههای هیچ کــدام از ما هـــم مثل یکدیگر نیســت. لذا نهادهایی که همه باهم در کنار خانواده می آیند نهادهایی ندهمه باهم در ننار حانواده می ایند تا خروجی تربیتی نسل جدید، متحدالشکل باشد،نمی تولند تأثیر مثبتی در حل چالش های تربیتی داشته باشــند کشــور اتحاد جماهیر شــوروی، بعداز ۸۰سال یکسانسـازی، چون همذات پنداری با نوع انســـان نداشت، به بیراهه رفتــ اکثر نهادهای فرهنگی و مدنی، مثل صدا د تا جلوی ، سیما، در ســمت خانواده هســـ: خواسته های نسل جدید را بگیرند. آیا مانسلی را تربیت می کنیم که مثل ۳۰ سال پیش بیندیشد؟ آیامامثل پدران ومادرانمان ادیشیدیم؟حضرت علی(ع) فرمودند که فرزندانتان را برای زمان خودشان تربیت کنید. آیا ما فرزندانمان را برای برسیان بربیت سید. به تا بررسیان بر بر هزارهسومتربیتمی کنیم؟ من گمان می کنم مانتوانستیم شرایط خوبی

را برای نسل جوان مان مهیا کنیم، شرایط آرامش بخشی که بتوانند در آن، آرمان های ر نسلشان را تعريف و تبيين كنند، وبهرغم آن كه همه ماو همه نهادهاي تربيتي، فرهنگي ومدني دست به دست هم دادند تا نسل جوان مثل ما بينديشد، اما نسل جديد، مثل ما نمى انديشد، بلكه بهتر از ما مى انديشــدو چه بســا با دانش و

. بینشیپهترمیاندیشد. در نهایت، بایــداین نکته را مطــرح کنم که نهادهای مدنی و فرهنگی، پیش از تربیت نسل جوان،بایداز خودآنهابپرسند کهچهمیخواهند. چراکه در هر جامعهای و در هر زمانی، اگر تربیت، حكمىود حکمی و دستوری و از بالا باشد، در طولانی مدت، تاثیر گذاری مقطعی خواهدداشت ومشی ومنش تحميلي،روزىازبين خواهدرفت.





احتمال داردایران از سوی کنوانسیون تغییرات آبوهوا در اجلاس ۲۰۱۵ تحریم ش

هفتم توليد گازهاي گلخانهاي در دنيا را طرح نو-راضیه زرگـری، رضا نامجو| دارد و چُندان غریب نیست که ما دچار تحریمهای جامعـه بینالملل در حوزه «ایسران در آینسده گرمتر و خشسک تر خواهد شد و این حاصل نتایج تغییرات تغییرات آب و هوایی شـویم. برهمین آب و هوایی است». این هشداری است که گری لوئیس، هماهنگ کننده مقیم ســـازمانملل متحد در ایران، اخیرا در اساس شـكل گيري اراده و عزم جدي برای کاهش گازهای گلخانهای و اثرات بری عشق کردی محمدی ورس مخرب آن ضروری است. «دکتر محسن ناصــری»، مدیر طــرح ملــی تغییرات آبوهوا است که در گفتو گوی پیشرو مصاحبهای با نشریه تایمز عنوان کرده است. لوئیس اضافه کرده کـه الگوی بهر هبر داری و مدیریت منابع طبیعی در ایران «ناپایدار» است و کشور ما مانند با «شهروند»از تحولات بشری در حوزه با «شهروند»از تحولات بشری در حوزه تغییرات اقلیمی و تعهداتی که در جهت کاهش تولید گازهای گلخانهای برعهده کُشُور های غنی در منابع طبیعی، باید رویکرد خود را بسر پایه دو موضوع مهم. تغییر دهد؛ اول این که مالیات سنگینی کشورها است صحبت کر ده است. برای استفاده از منابع غیر قابل تجدید گذاشته شـود و دوم آن که برای منابع

تجدیدپذیرسُرمایهٔ گذاریشود. پدیده گرمشدنزمینوافزایش تولید گازهای گلخانهای مختص به کشــور و

ېک منطقه نيست؛ معضلي است که کل کرہ خاکی را تھدید می کند. اتفاق

در حال وقوع، این است که گازهای دی اکسیدکربن و متان به تدریج یک سپر گرمایی را دور کره زمین شـکل

می دهند که از تبادل گرمایی جلوگیری می کنــد و عمــلا فر آینــد ایزوله کردن

تبادل گرما با بیروْنْ ایجادْمُی شـود. زمیـن گرم تـر و خشـک تر می شـود.

کشورهای صنعتی دنیامتعهد به کاهش

توليد اين گازها هسـتند؛ در اين ميان نولیداین درهای در حال توسعه هم سهم کشــورهای در حال توســعه هم محفوظ اسـت. ایــران ر تبه ششــمو تا

بحث تغییــرات اقلیمی، گرم شــدن زمین وافزایش گازهای گلخانمای از چه زمانی و بهواســطه چه تحولات بشری آغازشد؟ انقلاب صنعتى درارو پا منجر به اين شد كه استفاده از منابع انرژی، به ویژه منابع فسیلی و منابعی که ریشه های طبیعی دارند، با سرعت سر سام آوری مورد استفاده قـرار گیرد و افزايش يابدُ. انواع و اقسام منابع انر ژ ي به ويژه ذغال سنگ در مرحله اول و بعد نفت با انواع و اقسام مشتقاتش به چرخههای صنعتی وارد و باعث شد که کثورهای صنعتی رشدهای اقتصادی شــگفتانگیز ۵ تــا ۸درصدی را بەراحتى كسبب كنندو مسيير خبود را تا

امروز بر مدار توسعه قرار دهنید. تقریباً از دهه ۲۰میلادی بود که شواهدی پدیدار شد

مېنىبر اين كە يک سرى اختلالاتى در جو

Sing

زمین جبرو تحمیل می کند. فرجام پدیده گلخانه ای و اتفاقی که

جىست؟ همهچیز از همینجا و از ناهنجاریهای

منُجر شد که اراده جدی برای پایش آقلیم در سطح بینالملل ایجاد شود. همه اینها نهایتا به نکته مهمی رسید؛ بهتدریج توافق بر این مسأله شکل گرفت که فعالیتهای توسعهای مسانه سدر درفت دفعایت های بوسعه ای بشــر بهطرز خطرناکی، امنیت زیستی را در سـطح کرهزمین تحت تأثیر قـــرار می دهد. بههرحال تا امروز افــراد مختلفی ایدههایی را مطرح کردهاند که در آن، ناهنجاریهایی به وجود آمده در اقالیم، بهواســطه تو و مصـّرف انرژی (بــه ویــژه انرژیهایی که رُیشــهاش منّابع هیدرو کربنی اُست) نبوده اســت؛ این عده معتقد بودنــد که بههر حال یک سری فعل و انفعاً لات بلندمدتی در مقیاس زمین شناسی در جهان وجود دارد که دور، معای دیگر مثل دور، معای سردو با تلاطم آب ه هواد آن قابل ردیایی است؛ استدلال آب و هوا در آن قابل ردیابی است؛ استدلال این فرضیه براساس نشانه هایی است که در لایههای زمینشناسی قابل ردیابی هستند. اما بهتدریج هرچه که گذشــت ایــن ایده به حاشیه ر انده شـــد. در واقع توسعه و مصر ف انرژی و انتشــار گازهای خاصی که ما آنها را بهعنــوان گازهای گلخانهای میشناســیم، ارتبساط دارد و پدیده گلخانسهای را عملاً به

درحال اتفاق افتادن است كه فهم اين مطلب

بر سر زمين و انسان ها خواهد افتاد،

اقلیمی آغاز میشود. ریشه تمام مشکلات در این ناهنجاری هاست. عمدهترین گازهایی که

تا امروز شناخته شــدهاند به عنوان، گازهای دىاكسيدكربن ومتان است. گازهاى دىگرى ۔ بیاکسا ى ىثل نيتروژن و ھالوكربن ھا، ناكساو ، گازهایی هستند که با حجم بسیار اندکی در کناردوگازی کهعنوان کردم،بهعنوان گازهای گلخانهای مورد توجه قرار گرفتهاند. مهمترین اتفاقی که می افتداین است که گویی این گازها بهتدریج یک سسپر گرمایی را دور کرمزمین شکل می دهند که از تبادل گرمایی جلوگیری می کندوعملافرآیندایزوله کُردن تبادلٌ گرم بابيرون است. درواقع پس دادن گرما به محيط بیرون از محور زمین را محــدود می کند و ما نسانها هم بهواسـطه استفاده از انرژی هایی که از منابع موجّود زمین کسب میشبود و خورشيد كهانرژى ش رابه زمين مىدهد، اين وضعراتشديدمي كنيم اينهادر كنار همباعث افزایش دمای کرهزمین میشود. این افزایش دماناهنجاریهایسی در مکانیزمهای اقلیمی را باعث می شود و عملا موجب بروز مناطق خشک زمین با خشـکیهای زیاد و بعضی از مناطق رطوبتی در زمین میشـود. افزایش دماو تغییر در رژیم بارش عملاباعث میشود که برخــیاز مناطــق زمین قابل ســکونت

که برخی از منطق زمین قابل سکونت نیاشند و بری از استکامی کین از حیال ساقط شوند. آب در باها بواسطه نویبندن یوضای نادر که جزو ما قطب خوب بالا بیاید تحتاثیر قرار می گیرند و مجبور به کوچ از ایستگاههای کیارتال شوند و آن نوع با گونه در معرض آغازش قرار گیر داده معرض آغازش قرار گیرد



جامعه آماده برای ر 0 مهدىافشار dK.

جامعه توانمند، مسألهای است که ذهن را به چالش می کشد و این ســوال را مطرح می کند که جامعه توانمند، چگونه جامعهای اسـت؟ آیا به جامعـــهای که وضع اقتصــادی مطلوبی دارد می توان توانمند گفت؟ جامعهای که مردمانش در رفساه زندگی می کننسد و همسه از امکانات سان درمانسی- بهداشستی مناسب و منسر و دردارند؟ جامعهای که مردمانش دچار سوءتغذیه نیستند . و در میان مردم آن آدمهایی دیده نمی شوند که جمجمههایی ورم کرده و شکمهای آماسیده از سوءتغذيهدارند؟ جامعهاي كهزير پاي مردمانش سواععدیدەترىد: جامععای تەریر پای مردمىنس زیباتريــن خودروهاســت و خــود در زیباترین خانەھازىد تــى مى كىند كە متضمن مجموعه آخـرین امكانات رفاهى است؟ كدام يك از جوامع از این امکانــات بهردمند هســتند؟ البته اغًا کُشورهای حاشیه جنوبی خلیجفارس به لطف منابع نفتی از این امکانات برخوردارند، اما هیچ یتند،; بر اکافی است به هر دلیلی ىك توانمندنىس بهای نُفت سقوط کند و آن وقت همه امکانات از ت می رود و دیگر در شمار توانمندان جای نمی گیرند که برعکس. شاید قــدرت نظامی، توانمندی باشد؛ داشـــتن بمب اتم، تسلیحات پیشرفته،ارتش منظم،موشکدهای قارمپیما.اما پ: ر ر ر ی ۴٫۰ ر ی پاکستان همسایه شرقیمان که هم بم ب دار د ـیه،میراثدار شوروی و هم ار تش منظم و روسا ر مهر رسی منتیم و روستیه میر حار سوروی ظامی گر فروپاشیده اما اینها توانمند که سهل ست گرفتارانواع مصایب نیز هستند.

شــاید باید در پی عنصر دیگری بــود، قدرت بیاسی موجب توانمندی یک جامعه میشود؟ بابد به این اندیشــــد کـــه آبا قدرت سیاس ولقدرتنظامیاستیادیپلماسیزیرکانه واين دومى بەنظر وزن بيشترى دارد، ديپلماسى برابر نگاه خیالم میایستد، انگلیسی که روزی ، د. ر ـ ـ م ی. بریتانیای کبیر بود و به قول ملکهاش آفتاب در سـرزمینهایش غروب نمی کرد، امروز چه؟ با همه زیر کیای که به دیپلماسی انگلیس نسبت نادهمی شود، اکنون تابعی از متغیر ایالات متحده است، همان کشـوری که تا اواخر قرن هجدهم بخشی از مستعمراتش بود پس نتیجه این است که دیپلماسی اگرچه شرط لازم است، اما شرط كافىنيد

ی ۔ عنصر اجتماعی، همدلــی و همراهی، تعهد اجتماعی،دلبستگیهایجمعیونیزدرکنارآن به عنصر فرهنگی نیزبایدفکر کرد.بدیهی است كەنمى توان اين عناصر راناديدە گرفت. فرهنگ به عنوان میراثی که در طول قرون و اعصار شکل گرفته، تراش خورده، صیقل یافته و شفاف شده وقتی حرمت گذارده و حفظ می شود، می تواند زمینه ساز وحدت ملی شود و طبعا امکانات ر شد رايد سرو ديگر فراهممي آورد. برادر عرصهای ديگر فراهم مي آورد. بي اختيار در گوشه گوشه ذهن بايد در پي اير های ،ر رشداجتماعی، سیاسی و به تبع آن اقتصادی را هموار می کند؟ مطالعه؟ حتما مفید است، واسطههای فرهنگی چون مطبوعات، رادیو و . نلویزیون و امروزه اینترنت چطور؟ حتم استولى مىدانيم، نيك نيز مىدانيم كه اگرچه عامل فرهنگى بسيار تعيين كننده استولى اين وجوه كه برشمرده شــد كافى نيست و آن وقت سیب نیوتن زمین میافتد و جرقهای در بخش خاکستری کمتر خط خطی ذهنم زده میشود وبے اختیار واژہ «نقدیذیر ی»در برابر نگاہاندیشہ ریی - رور په -رک رور در شکل می گیرد. جامعه نقد پذیر، جامعه ای است که آماد گی برای رشد را دارد، به نقد به عنوان یک سرمایه گرانقدر مینگرد، منتقدان را توسری نمیزند،متهم،به خیانتو سیاهنمایی نمی کند، تین رتابه مهرابه خیاب و سیستانین می می گوش می کند، نــگاه می کند، چــه می گویند چنین جامعهای که تحمل و تسامح را بهعنوان یک نمــودفرهنگــی می نگرد، قطعــا در همه ء مرصەھای حیات س ۔ س،اقتصادی واج رشد خواهد کرد و غزل خواجه شـــیراز را به یاد مُى آورم كەمطلُع أَن چنين است. مانگوييمبدوميل بەناحق نكنيم جامه كس سيه ودلق خوداز رق نكنيم . وبااین بیت تخلص تمامی شود: حافظ ار خصم خطا گفت نگیریم بر او

وربهحق گفتجدل باسخن حق نکنیم

